

مروری بر تاریخچه بیماری‌های همه‌گیر و تأثیرات اقتصادی آن‌ها بر جوامع

مرکز مشاوره و خدمات کارآفرینی شاخص پژوه

چکیده

بیماری‌های عفونی که به صورت همه‌گیری رخ می‌دهند منجر به ایجاد مشکلاتی در حیطه سلامتی و اقتصادی می‌شوند. وقوع بیماری‌های همه‌گیر منجر به تغییرات وسیعی در جوامع شده و مشکلات اقتصادی را نیز با خود در پی داشته است. گاهاً فشار ناشی از همه‌گیری منجر به رشد جامعه در دوران پس از پایان همه‌گیری شده است. تاریخ نشان می‌دهد که کووید ۱۹ اولین بیماری همه‌گیر نبوده است و در گذشته نیز مسائل اقتصادی در پی انواع همه‌گیری‌ها رخ داده و عواقب و پیامدهایی در پی داشته است. در این مقاله قصد داریم مروری بر تاریخچه بیماری‌های همه‌گیر داشته باشیم و چشم‌اندازی وسیع‌تر نسبت به آینده دنیا در دوران پساکرونا به دست آوریم.

واژگان کلیدی: کووید ۱۹، بیماری‌های همه‌گیر، اقتصاد، پسا کرونا، قرنطینه.

مقدمه

بیماری‌های عفونی که به صورت همه‌گیری رخ می‌دهند منجر به ایجاد مشکلاتی در حیطه سلامتی و اقتصادی می‌شوند و این امر خود ناشی از تغییرات اجتماعی و زیست‌محیطی است که به دنبال ترویج اقتصادی صورت می‌گیرد.

در حقیقت در نتیجه توسعه اقتصادی، جمعیت جهان به طور فزاینده‌ای شهرنشین شده و مردم در شهرهای بزرگ متمرکز شده‌اند. همچنین سطح جهانی جمعیت انسانی از ابتدای انقلاب صنعتی تا کنون چندین برابر افزایش یافته است. تراکم جمعیت انسانی بیشتر از همیشه است. علاوه بر این، جابه‌جایی انسان‌ها در همه ابعاد جغرافیایی فوق‌العاده افزایش یافته است. این عوامل باعث شکل‌گیری بیماری‌های عفونی جدید و شیوع آن‌ها شده که به

ویژه در مورد ویروس‌های کرونا مشهود است. شیوع کرونا ویروس اساساً یک مسئله در حیطه بهداشت محیط است زیرا وقوع آن بستگی به وضعیت محیط اطراف افراد دارد.

پیامدهای نامطلوب اقتصادی اشکال یا انواع جدید بیماری‌های همه‌گیر می‌تواند شدید باشد. به عنوان مثال، عدم حضور کارگران در محل کار به دلیل چنین عفونت‌ها و خطرات ناشی از این آن‌ها، می‌تواند تولید را در سطح محل کار مختل کند. همچنین، زنجیره‌های تأمین کالاها ممکن است به علت همه‌گیری‌ها مختل شوند و علاوه بر این، آن‌ها معمولاً تأثیرات منفی بر تقاضای کل کالا دارند. این امر از شیوع کوید ۱۹ که منجر به رکود بزرگ اقتصادی در سراسر جهان شده است، مشهود است. در حالی که تاریخ نشان می‌دهد که کوید ۱۹ اولین بیماری همه‌گیر نبوده است و در گذشته نیز مسائل اقتصادی در پی انواع همه‌گیری‌ها رخ داده و عواقب و پیامدهایی در پی داشته است.

در این مقاله ما به مروری روی بیماری‌های پاندمی گذشته و مقایسه آن‌ها با کرونا ویروس و مشکلات اقتصادی که در پی آن به وجود آمده می‌پردازیم تا با شناخت بیشتر وضعیت موجود بتوان به چشم‌انداز وسیع‌تری نسبت به جهان پس از کرونا به دست آورد.

وقوع همه‌گیری‌ها به هیچ وجه جدید نیست. اگرچه بیماری‌های واگیر در زمان تکیه بشر به شکار و تجمع برای امرار معاش وجود داشت، اما تغییر سبک زندگی به کشاورزی که از حدود ۱۰ هزار سال پیش آغاز شد و متعاقباً مراکز شهری را افزایش داد، منجر به افزایش شیوع بیماری‌های همه‌گیر شد. شیوع همه‌گیری‌ها پشت سر هم در طول تاریخ، جوامع را تحت تأثیر قرار داده، نتایج جنگ‌ها را تعیین کرده، جمعیت کلی را کاهش داده اما به طور متناقض راه را برای نوآوری و پیشرفت در علوم (از جمله پزشکی و بهداشت عمومی)، اقتصاد و سیستم‌های سیاسی باز کرده است. نخست ما به بررسی تاریخچه بیماری‌های همه‌گیر می‌پردازیم:

مرگ سیاه (۱۳۴۸-۱۴۰۰ میلادی)

مرگ سیاه (که به آن طاعون بوبونیک نیز می‌گویند) در نیمه دوم قرن چهاردهم اوراسیا را ویران کرد. این بیماری از طریق مسیرهای تجاری جاده ابریشم به قسمت غربی اوراسیا و

بخش‌هایی از شمال آفریقا رسید. بیماری از موش‌های شرقی (که توسط کک‌های میزبان باکتری‌های *Yersinia pestis* آلوده شده بودند) به انسان منتقل شد (طاعون بوبونیک) و همچنین از طریق قطرات آلوده (طاعون ذات‌الریه) از انسان به انسان منتقل شد. میزان مرگ‌ومیر برای این دو نوع عفونت بالا بود (تقریباً ۷۰ درصد در مورد اول و حدود ۹۵ درصد در مورد نوع دوم) و مرگ معمولاً در عرض ۸ روز رخ می‌داد.

برخی از محققان معتقدند که مرگ سیاه ممکن است جمعیت اروپا را تا ۶۰ درصد کاهش داد. میزان مرگ‌ومیر به ویژه در مناطق شهری بالا بود. پیامدهای اقتصادی و اجتماعی این همه‌گیری شدید بود. کل محله‌ها، گاهی کل شهرها از بین می‌رفت و یا شهرک‌ها رها می‌شد. برداشت محصول امکان‌پذیر نبود، مسافرت و تجارت محدود شد و غذا و کالاهای تولیدی کم شد. طاعون تقسیم عادی بین طبقات بالا و پایین را از بین برد و منجر به ظهور طبقه متوسط جدید شد.

کمبود نیروی کار ناشی از مرگ سیاه، در درازمدت منجر به توسعه فناوری‌های صرفه‌جویی در نیروی کار و در نتیجه بهره‌وری بیشتر شده است. توسعه اقتصادی و تغییرات اجتماعی مهمی در اروپا پس از فروکش مرگ سیاه رخ داد. بسیاری از محققان استدلال کرده‌اند که تغییرات ایجاد شده توسط مرگ سیاه متعاقباً منجر به توسعه اجتماعی و اقتصادی بلندمدت مثبت شده است. مرگ سیاه بدون شک فاجعه بارتر از کوید ۱۹ تا کنون بوده و به نظر می‌رسد رنج اقتصادی ناشی از آن بسیار بدتر بوده است. علاوه بر این، میزان مرگ‌ومیر بسیار بالاتری نسبت به کووید ۱۹ داشت و بر خلاف کرونا، میزان مرگ‌ومیر ناشی از آن ارتباط چندانی با سن قربانیان، وضعیت اجتماعی-اقتصادی آن‌ها یا سلامت آن‌ها قبل از ابتلا به این بیماری نداشت؛ مانند کووید-۱۹، این امر منجر به کمبود پزشک شد، همه این عوامل دست به دست هم داد و درمان‌های غیر مؤثر و اخبار جعلی در مورد علل آن و گروه‌های نژادی که گفته می‌شود مسئول انتشار بیماری بودند را، به دنبال داشت.

همه‌گیری آنفولانزای اسپانیایی (۱۹۱۸-۱۹۲۰)

این اولین پاندمی واقعاً جهانی محسوب می‌شود و روش انتقال بیماری مشابه آن برای کووید ۱۹ بود. در غیاب واکسن، روش‌های مشابه آن‌هایی که برای محدود کردن وقوع کووید ۱۹ استفاده می‌شد، مانند قرنطینه افراد مبتلا یا افرادی که از مناطق آلوده آمده بودند، استفاده شد. در برخی از کشورها، دانشگاه‌ها و مدارس تعطیل شدند و تولید اقتصادی در زمان همه‌گیری بسیار کمتر از سطح قابل دستیابی بود. برخلاف کووید ۱۹، بیشتر برای افراد جوان کشنده بود. به نظر می‌رسد افراد مسن در برابر این بیماری مقاوم بوده‌اند و تصور می‌شد به این دلیل که آن‌ها ممکن است در ابتدای زندگی خود در معرض ویروس مشابه قرار گرفته باشند. برآورد شده است که حدود ۵۰۰ میلیون نفر به این بیماری مبتلا شده‌اند و ۵۰ میلیون نفر نیز بر اثر آن جان خود را از دست داده‌اند. این میزان مرگ‌ومیر را ۱۰ درصد نشان می‌دهد که به میزان قابل توجهی بالاتر از مورد کووید ۱۹ است. این بیماری در آگوست ۱۹۱۸ آغاز شد و در سال ۱۹۲۰ از بین رفت. با این وجود، در مورد کودکانی که مادران آن‌ها در دوران بارداری خود به این بیماری مبتلا شده‌اند، به نظر می‌رسد که دراز مدت دچار عوارض جانبی نامطلوب شده‌اند.

همه‌گیری ویروس ایدز

این بیماری همه‌گیر در اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و اکنون حدود ۴۰ میلیون نفر در سراسر جهان به آن مبتلا هستند. در حالی که سالانه حدود دو میلیون نفر بر اثر این بیماری جان خود را از دست می‌دادند، این تعداد در حال حاضر به حدود یک میلیون نفر کاهش یافته است. این امر تا حدی به دلیل درمان‌های مؤثرتر کشف شده برای این بیماری و افزایش دانش اقدامات پیشگیرانه رخ داده است. اگرچه بیماری ایدز بار اقتصادی و اجتماعی بزرگی برای برخی از کشورهای آفریقایی جنوبی داشته، اما در سطح جهانی بسیار کمتر است. به طور کلی، اثرات منفی اقتصادی سالانه آن بسیار کمتر از میزانی است که در حال حاضر با کووید ۱۹ تجربه شده است.

سارس و آنفولانزای خوک

شیوع سندرم تنفسی حاد شدید (SARS) در اوایل این هزاره در چین آغاز شد و پتانسیل تبدیل شدن به یک همه‌گیری جهانی را داشت. با این حال، به سرعت مهار شد و بیشتر محدود به چین ماند. این بیماری تقریباً در اواسط سال ۲۰۰۳ از بین رفت.

سارس در سطح جهانی نگران کننده بود، زیرا منجر به این شد که نرخ مرگومیر حدود ۱۰ درصد گردد. این بیماری علائم مشابهی با کووید ۱۹ داشت و اقدامات مشابهی برای مهار آن اتخاذ شد. اگرچه تأثیراتی منفی در زمینه اقتصاد جهانی (عمدتاً در سفرها و گردشگری بین‌المللی) داشت، اما در مقایسه با پیامدهای اقتصادی کرونا ویروس نسبتاً جزئی بود.

آنفلوانزای خوکی

در آوریل ۲۰۰۹ در مکزیک شروع شد و در ماه مه ۲۰۱۰ ناپدید شد. این بیماری به سرعت گسترش یافت. میزان مرگومیر جهانی ناشی از آن نامشخص است اما به نظر می‌رسد کمتر از مورد کرونا ویروس بوده است. اگرچه میزان مرگومیر آن در نهایت کمتر از میزان مرگومیر معمولی آنفلوانزا بود، اما در آن زمان بسیار تهدیدآمیز تلقی می‌شد زیرا به طور نامتناسب بزرگسالان جوان سالم را تحت تأثیر قرار می‌داد و اغلب منجر به نقص شدید تنفسی می‌شد. در مقایسه، کووید ۱۹ به طور نامتناسب تهدیدی برای سالمندان است، به ویژه کسانی که در مراکز مراقبت از سالمندان هستند.

آنفلوانزای مرغی، ابولا و زیکا

در فوریه ۲۰۰۴، ویروس آنفلوانزای مرغی در طیور در ویتنام یافت شد و شروع به آلودگی کارگران صنعت طیور کرد. موارد متعاقباً از چندین کشور دیگر گزارش شد. بیم آن می‌رفت که این بیماری به یک همه‌گیر تبدیل شود. با این حال، انتقال از انسان به انسان کم بود (احتمالاً واقعاً رخ نداده بود) و میزان مرگومیر بسیار کم بود. در نتیجه، نگرانی در خصوص آنفلوانزای مرغی زود از میان رفت.

ویروس ابولا، ویروس دیگری است که می‌تواند به یک بیماری همه‌گیر جهانی تبدیل شود. تا کنون بیشتر محدود به آفریقا بوده است، جایی که شیوع آن برای اولین بار در پایان سال

۲۰۱۳ در گینه ظاهر شد. این بیماری بسیار کشنده است و از نظر وقوع در بین گروه‌های سنی فرقی ندارد.

زیکا، ابتدا در میکروزی و پس از آن در برزیل در سال ۲۰۱۵ ثبت شد. متعاقباً، در سطح بین‌المللی گسترده‌تر شد. این بیماری توسط پشه منتقل می‌شود. زیکا بسیار نگران کننده است زیرا باعث تغییر شکل شدید (میکروسفالی) در حدود یک درصد از فرزندان متولد نشده مادران آلوده می‌شود. برخلاف COVID-19 کووید ۱۹، هنوز در سطح جهانی ایجاد نشده است.

کووید ۱۹ در بافت تاریخی

اکنون برای مقایسه COVID-19 کووید ۱۹ با همه‌گیری‌های قبلی بسیار زود است. با این حال، مانند آنفلوآنزای اسپانیایی، به یک بیماری همه‌گیر جهانی تبدیل شده است. این بیماری اولین بار در نوامبر ۲۰۱۹ در ووهان گزارش شد و تا مارس ۲۰۲۰، سازمان جهانی بهداشت آن را یک بیماری همه‌گیر اعلام کرد و دیری نگذشت که افراد در اکثر کشورها به این بیماری مبتلا شدند. کرونا ویروس هم مانند سارس و آنفلوآنزای اسپانیایی، عمدتاً توسط قطرات و عطسه منتقل می‌شود. اگرچه آنفلوآنزای اسپانیایی کمتر کشنده است، اما در حال حاضر منجر به مرگ‌های هشداردهنده‌ای در سراسر جهان شده است. علاوه بر این، فعالیت اقتصادی و اجتماعی را به میزان قابل توجهی کاهش داده و مختل کرده است. با این وجود، اثرات منفی کرونا ویروس (به میزان قابل توجهی) با در دسترس بودن پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) کاهش یافته است. این امر بسیاری از افراد (اما نه به هیچ وجه همه) را قادر ساخته است که در خانه کار کنند و به حفظ ارتباطات اجتماعی کمک کرده است.

یک سؤال جالب این است که آیا بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ تغییرات دائمی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به همراه خواهد داشت و به چه شکل؟ آیا همان‌طور که اعتقاد بر این است که مرگ سیاه انجام داده است، تاریخ را تغییر خواهد داد؟ هنوز برای گفتن این مسئله زود است. با این حال، یک احتمال این است که به طور دائمی منجر به افزایش میزان کار در خانه شود و همچنین استفاده از اینترنت پر سرعت را افزایش دهد. به عنوان مثال، این افزایش

استفاده را می توان برای کنفرانس ها، سمینارها، جلسات، آموزش های آنلاین (مثلاً از طریق زوم و وینار)، برای ارتباطات اجتماعی، تجارت اقتصادی و معاملات مالی پیش بینی کرد. اگرچه این روندها قبل از کرونا ویروس در حال انجام بود و در دهه ۱۹۸۰ زمانی که فناوری اطلاعات و ارتباطات در ابتدای راه بود پیش بینی شده بود اما کرونا ویروس این روندها را تسریع کرده است. این که آیا همه این روندها از نظر اجتماعی و روانی مطلوب هستند یا خیر هنوز مورد سؤال است.

اکثر بیماری های همه گیر جهانی، تولید اقتصادی جهان را به میزان قابل توجهی کاهش داده و بیکاری را افزایش می دهند. در مورد کووید ۱۹، اقدامات دولت برای جلوگیری از شیوع این بیماری و مرگومیر ناشی از آن، اشتغال و فعالیت اقتصادی در سراسر جهان را به میزان قابل توجهی کاهش داد. با توجه به این که بیکاری افزایش می یابد و فعالیت های کل اقتصادی کاهش می یابد وقتی محدودیت های اجتماعی برای کاهش وقوع کووید ۱۹ شدیدتر می شود، دولت ها با مشکلاتی در زمینه مبادلات روبرو شده اند. کاهش میزان اشتغال و فعالیت اقتصادی در نتیجه اجازه دادن به فرصت های آزادتر برای تعامل اجتماعی رخ داده است. با این حال، حل چنین مشکلی به دلیل عدم قطعیت در بسیاری از ابعاد یک بیماری همه گیر جدید و مشکل ایجاد یک کارکرد رفاه اجتماعی قابل قبول یا فراگیر، دشوار است. باز هم توانایی ما در حل مشکل از دیدگاه صرفاً اقتصادی، با ناتوانی در اندازه گیری (به نحو قابل قبول جهانی) هزینه ها و مزایای قابل توجه اتخاذ اقدامات جایگزینی برای کنترل همه گیری ها، مختل می شود. هزینه های قابل توجه و نیز مزایای اتخاذ اقدامات جایگزین برای کنترل پاندمی ها را باید در نظر گرفت. بررسی هزینه های بالقوه در چنین اقداماتی همچنان به عنوان پایه ای برای تصمیم گیری منطقی مهم است. انتخاب اجتماعی نیز با این واقعیت پیچیده است که پاسخ های جمعی به پاندمی های جدید مانند کووید ۱۹، به طور قابل توجهی تحت تأثیر سیستم های سیاسی غالب و اهداف متنوع حاکمان قرار می گیرد. در مورد کرونا ویروس، این (همراه با عدم اطمینان در مورد اپیدمیولوژی ویروس و تأثیرات آن بر سلامت عمومی و فعالیت اقتصادی) منجر به تفاوت های قابل ملاحظه ای در روش های تصویب شده توسط دولت های مختلف برای مدیریت کووید ۱۹ شده است. علاوه بر این، به ویژه در کشورهای دموکراتیک، به نظر می رسد تحت نظارت سیاسی دیدگاه عمومی قرار دارد. هنگامی که نرخ مرگومیر بالا است، به طور معمول اقدام دولت برای اتخاذ اقدامات برای کاهش آن ها صورت می گیرد، اما زمانی که نرخ

مرگومیر کاهش می‌یابد، پس از آن معمولاً تقاضای قوی برای کاهش محدودیت‌های اجتماعی وجود دارد. این می‌تواند یک موج جدید عفونت را با فرآیند تکرار یک بار دیگر به وجود آورد. این فرایند در چندین کشور اروپایی آشکار شده است، مثلاً اسپانیا و فرانسه.

مسئله قرنطینه گروه‌های اجتماعی به عنوان وسیله‌ای برای کنترل بروز کووید ۱۹ و خسارات اقتصادی ناشی از این ویروس

انزوای افراد متعلق به گروه‌های اجتماعی خاص، وسیله‌ای مؤثر برای محدود کردن تعداد مرگومیر ناشی از COVID-19 و ضرر اقتصادی ناشی از ویروس است. سیاست جداسازی سالمندان از گروه‌های سنی دیگر (که آن را "فاصله گروهی" توصیف می‌کنند) وسیله‌ای بسیار کارآمد برای کاهش مرگومیر کرونایی می‌باشد. اگر افراد جامعه را به سه گروه سنی تقسیم کنیم خواهیم داشت: گروه اول افراد ۲۰ تا ۴۹ سال، گروه دوم ۵۰-۶۴ سال و گروه سوم ۶۵ سال به بالا که به ترتیب آن‌ها را جوان، میان‌سال و مسن توصیف می‌کنند. اینکه چرا این سال‌های خاص برای گروه‌بندی انتخاب شده‌اند مشخص نیست. تخمین می‌زنند که میزان مرگومیر مربوطه برای هر یک از این گروه‌ها به ترتیب ۰,۰۰۱، ۰,۰۰۱ و ۰,۰۰۶ است. این ارقام بر اساس مطالعه فرگوسن و همکاران (۲۰۲۰) و برگرفته از داده‌های کره جنوبی است. با این حال، این ارقام تحت تأثیر امکانات کافی بیمارستان، به ویژه امکانات ICU، برای قربانیان کووید ۱۹ که نیاز به بستری شدن دارند، قرار می‌گیرند. در دسترس بودن و استاندارد امکانات در کره جنوبی نسبتاً بالا است. احتمال افزایش نرخ مرگومیر در کشورهایی با امکانات بیمارستانی ضعیف‌تر یا کمبود مکان بیمارستان وجود دارد. البته باید ضررهای اقتصادی خاصی را که وقتی افراد به ویروس مبتلا می‌شوند اما نجات پیدا می‌کنند را نیز، در نظر گرفت. این محدودیتی است در تجزیه و تحلیل فنی میزان مرگومیر ناشی از بیماری کووید ۱۹ که به میزان قابل توجهی با بیماری‌های قبلی متفاوت است و هدف قرار دادن سیاست‌های قرنطینه و حمایت از بیماری‌ها می‌تواند منافع حاصل از هدف‌گیری را چند برابر کند.

با این حال، احتمالاً افرادی که وضعیت اقتصادی ضعیف‌تر و دارای بیماری‌های هم‌زمان هستند تا آن‌هایی که از وضعیت رفاهی برخوردار هستند در برابر کووید ۱۹ آسیب‌پذیرتر می‌شوند. از نظر اقتصادی، این افراد ممکن است نتوانند از قرنطینه جان سالم به در ببرند،

مگر اینکه حمایت مالی دولتی ارائه شود. بیماری با فقر افزایش می‌یابد و بیماری‌های مزمن نیز اغلب منبع فقر هستند. آن‌ها همچنین بیشتر از افراد مرفه در مشاغل که امکان ادامه کار در خانه نیست، به عنوان مثال، در کشورهای با درآمد بالاتر، در نظافت یا به عنوان راننده تاکسی و اتوبوس، کار می‌کنند. در حقیقت، برای همه افرادی که به کرونا ویروس آلوده شده‌اند یا افرادی که منتظر نتایج آزمایش هستند در صورتی که از مرخصی استعلاجی برخوردار نباشند، باید از طرف دولت حمایت در نظر گرفته شود. در غیر این صورت آن‌ها ممکن است در قرنطینه نمانده و ویروس را گسترش دهند.

مطالعات ثابت کرده‌اند که استفاده از ماسک، رعایت بهداشت مناسب و با رعایت فاصله مناسب از دیگران، احتمال ابتلا به کووید ۱۹ را کاهش می‌دهد. افراد همچنین می‌توانند از مکان‌های شلوغ اجتناب کنند. با این حال، با توجه به آسیب‌پذیری افراد و نزدیک بودن تماس، به عنوان مثال، با کارکنان، مراقبت ویژه‌ای برای جلوگیری از عفونت مثلاً در مراکز مراقبت از سالمندان مورد نیاز است. در بیمارستان‌ها هم همینطور است. علاوه بر این، مشخص نیست که چگونه می‌توان سالمندان ساکن در خانواده‌های گسترده را به راحتی جدا کرد.

عوامل محدود کننده بهبود اقتصادی ناشی از کرونا ویروس

در این میان، ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای درگیر این همه‌گیر جهانی شده و در نتیجه از پیامدهای اقتصادی ناشی از آن رنج می‌برد. پیش‌بینی می‌شد که بدون کرونا، اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ رشد مثبت غیرنفتی (هر چند اندک) را ثبت کند ولی با شیوع این بیماری، وضعیت رکود و بی‌ثباتی در اقتصاد ایران ظهور پیدا کرد، کاهش تقاضا برای صادرات محصولات ایران و به طور کلی کاهش تجارت جهانی (تقاضای کل را از طرف تجارت خارجی متأثر ساخت. در بخش داخلی نیز تقاضای کل هم به دلیل کاهش درآمد خانوار و هم کاهش برخی کالاها و خدمات که به شیوع بیشتر ویروس منجر می‌شوند (مانند حمل و نقل، رستوران و هتلداری، پوشاک و غیره) تحت تأثیر قرار داده است. از طرف دیگر عرضه کل اقتصاد نیز به دلیل اختلال در شبکه تأمین مواد اولیه و محدودیت فعالیت برخی از واحدهای صنفی با شوک عرضه مواجه شده است.

همان‌طور که مشهور است، میزان بهبود اقتصادی ناشی از کرونا و ویروس بستگی به درمان‌های پزشکی برای جلوگیری از وقوع کووید ۱۹ دارد، به عنوان مثال، کشف و تولید انبوه یک واکسن مؤثر، یا یافتن وسیله‌ای برای کاهش شدت عفونت‌ها. با این حال، بعید به نظر می‌رسد که این بیماری از بین برود و مانند آنفولانزا، ممکن است با گذشت زمان شکل خود را تغییر دهد (جهش پیدا کند).

سرعت و ماهیت بهبودی از همه‌گیری هم به وسیله عوامل عرضه و هم تقاضا مختل می‌شود. از نظر عرضه، بسیاری از تولیدکنندگان و سایر مشاغل برای حفظ فعالیت اقتصادی خود به زنجیره‌های تأمین بین‌المللی وابسته هستند. این امر، مشکل همگام‌سازی را ایجاد می‌کند. کشورهایی که آماده هستند و می‌خواهند تولید کالاها را از سر بگیرند (اما برای تولید خود به زنجیره‌های تأمین بین‌المللی متکی هستند) ممکن است دریابند که توانایی آن‌ها در انجام این کار محدود شده است، زیرا تأمین‌کنندگان بین‌المللی آن‌ها به دلیل تعطیلی مستمر یا به دلیل کاهش تولید، نمی‌توانند خواسته‌های آن‌ها را برآورده کنند. تحویل بین‌المللی نیز ممکن است با اختلال در خدمات حمل و نقل، به عنوان مثال، خدمات هوایی محدود شود. به عنوان مثال، به دلیل اختلال در زنجیره تأمین و همچنین عقب ماندن تقاضا برای صادرات، بهبود چین با مشکل مواجه می‌شود. در گذشته، چین میزان زیادی وابستگی به اجزای وارداتی مورد استفاده در تولید کالاهای خود داشت؛ بنابراین، کاملاً در معرض اختلال در مرحله عرضه کالا قرار داشت. این امر، همراه با وابستگی زیاد چین به صادرات، بدون در نظر گرفتن مشکلات ایجاد شده توسط «جنگ تجاری» ترامپ با چین، چالش‌های اقتصادی عمده‌ای را برای دولت چین در واکنش به کووید ۱۹ ایجاد کرد.

بسیاری از کشورها با توجه به وجود کووید ۱۹، با محدودیت‌های بین‌المللی تقاضا و عرضه را در سطح فعالیت اقتصادی خود و بازیابی آن رو به رو هستند. به عنوان مثال، کشاورزان استرالیایی در تأمین قطعات یدکی ماشین‌آلات کشاورزی و تأمین مواد شیمیایی زراعی، مانند علف‌کش‌ها، به دلیل تأخیر در حمل و نقل یا کمبود عرضه با مسئله تأخیر روبرو شده‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد، اختلال در زنجیره تأمین در مراحل اولیه همه‌گیری، شدیدتر از اواخر بوده است. زنجیره‌های تأمین بین‌المللی، به موقع باید با افزایش تولید داخلی جایگزین می‌شد.

از نظر تقاضا، هزینه های کلی مصرف کننده ها به احتمال زیاد به دلیل درآمدهای کمتر و همچنین به دلیل اینکه مصرف کنندگان کالاهایی را خریداری نمی کنند که خطر ابتلا به کووید ۱۹ را افزایش می دهد، کاهش یافته است. حتی زمانی که محدودیت های دولت برای سفرهای بین المللی (و حتی سفرهای ملی) برداشته شود، به دلیل ترس از ابتلا به بیماری، بسیاری از افراد تمایلی به انجام این سفر نخواهند داشت، مانند انواع حمل و نقل جمعی، به عنوان مثال، هواپیماها، قطار، اتوبوس و کشتی. به طور مشابه، بسیاری از افراد همچنان از فعالیت هایی (برای مدتی) که شامل تجمعات جمعی می شود، اجتناب خواهند کرد. در نتیجه، بهبود اقتصادی برخی صنایع با هر دوی این عوامل، یعنی کاهش خرید اختیاری و اجتناب از ریسک در خرید کالاها، محدود می شود. اکنون وضعیت خطرناک بین المللی وجود دارد.

نتیجه گیری

بسیاری از کشورها ممکن است برای مقابله با کاهش سطح فعالیت اقتصادی و اشتغال ناشی از همه گیری، سیاست های حمایتی را اتخاذ کنند. این امر می تواند بهبود اقتصاد جهانی را به تأخیر بیندازد. این امر به کشورهای (مانند استرالیا و آلمان) که برای تولید سطح فعالیت اقتصادی و اشتغال خود به شدت به صادرات وابسته هستند، آسیب می رساند. وقوع کووید ۱۹ مسائل مهمی را مطرح کرده است که نیاز به توجه و تحقیقات بیشتری دارد. اینها شامل موارد زیر است:

۱. چگونه باید برای زندگی انسان ها ارزش قائل شد؟ ارزیابی های اقتصادی مربوطه تا چه اندازه از نظر اخلاقی و اجتماعی قابل قبول است؟ در رابطه با این موضوع، مطالعه بیشتری درباره میزان تمایل افراد برای نجات جان دیگران و دلایل آن مفید خواهد بود. ارزشی که برای زندگی گروه های مختلف اجتماعی قائل می شود. به عنوان مثال، افراد مسن که این مسئله احتمالاً در جوامع مختلف متفاوت است و ممکن است با گذشت زمان تغییر کند. ممکن است روابط خانوادگی با چنین تغییراتی تضعیف شود.

۲. هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بستن مدارس و مؤسسات آموزشی چقدر است؟ سرمایه انسانی تا چه اندازه از بین می‌رود و کدام گروه‌های اجتماعی بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند؟

۳. آیا آثار سوء روانی این همه‌گیری می‌تواند هزینه اقتصادی در بر داشته باشد؟ مثلاً تا چه میزان این هزینه‌ها با توجه به بدهی‌های شخص قبل از وقوع همه‌گیری و تا چه میزان به دلیل تداوم فرصت‌ها برای به دست آوردن منابع مالی و اعتباری، افزایش یافته است؟ (عوامل تأثیرگذار مثبت و منفی)

۴. تأثیر اقدامات سیاستی برای کاهش بیکاری (که به دلیل همه‌گیری رخ داده است) نیاز به توجه بیشتری دارد.

۵. همچنین دانستن اینکه کدام گروه‌های اجتماعی از سیاست‌های مختلف برای مدیریت همه‌گیری کووید ۱۹ حمایت می‌کنند یا خیر و چرا این کار را انجام می‌دهند، جالب باشد. به عنوان مثال، کدام گروه‌های اجتماعی از سیاست‌های سریع بازگشت به کار حمایت می‌کنند و چرا؟

احتمالاً نه تنها کسانی که برای بقای خود به کار متکی هستند، از این سیاست‌ها حمایت می‌کنند، بلکه گروهی از سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران نیز نگران افت سرمایه‌های خود در نتیجه کاهش فعالیت‌های اقتصادی هستند. کاهش بودجه کلی تحقیقات دانشگاه‌ها و نهادهای مشابه (حداقل در استرالیا) در نتیجه فشارهای مالی مرتبط با وقوع کووید ۱۹ رخ داده است. در بسیاری از موارد، بودجه مکرر داخلی دانشگاه‌ها برای تحقیقات به دلیل حفظ توان مالی خود متوقف شده است. این امر به ویژه در زمینه‌هایی که ثبت نام دانش آموزان خارجی صورت می‌گرفته، کاهش یافته است و بنابراین پول کمتری برای تحقیقات یارانه‌ای متقابل از این منبع در دسترس است؛ بنابراین، نیاز به بررسی پیامدهای طولانی‌مدت این تغییرات است.

موارد فوق فقط یک نمونه کوچک از مسائل مهم مطرح شده در مورد همه‌گیری کرونا ویروس است که نیاز به بررسی بیشتری دارد. همان‌طور که این مقاله نشان داده است، کل

چارچوب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحت تاثیر این همه گیری متزلزل شده است؛ بنابراین همه گیری همه جانبه منجر به بررسی بیشتر این چارچوبها شده است.

منابع

Clement, A.Ti. ۲۰۲۰. Economic, social and political issues raised by the COVID-19 pandemic. Public Health Emergency COVID-19 Initiative, ۳۲۸۴۳۸۱۶. Date Views ۰۷,۰۹,۲۰۲۱
www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC./۷۴۴۰۰۸۰

Taherinia, M. and A. Hassanvand, ۲۰۲۰. Economic Consequences of COVID-19 Disease on the Iranian Economy; With an Emphasis on Employment. Quarterly Journal of Nursing Management (IJNV), ۹(۳). Date Views ۸,۰۹,۲۰۲۱ ijnv.ir/article-۷۳۷-۱-fa.pdf.

